

علی فریدونی عکاس با سابقه
کشور درباره تجربه عکاسی
از امام خمینی (ره) و مراسم
تشیع پیکر امام می گوید.



برنامه «کیو آر اسکنر» را می‌توانید از اپلیکیشن‌های مختلف دانلود کنید.

آن شب سخت‌ترین روز عمر من بود تا خود صبح در مصلى عكاسى مى‌كردم. بچه‌هاى جانبا، روستاييان و از همه جاى كشور آمده بودند. همه بر سر خود مى‌زدند و مى‌گفتند عزاء عزاءست امروز خمينى بى شك پيش خداست امروز. آن روز عكس‌ها خوبى ثبت كردم. بر امير، نماز ميّت مى‌خواندند و قفّتى مى‌خواستند تا باور را بلند كنند مردم انگار قيام کرده‌اند و من توانستم به لطف خدا اين صحنه را ثبت

این اثر از بین ۱۲۰۰ اثر عکس برتر یونسکو شده است |

کنم. تاریخی ترین عکس های آن زمان شد. میلیون هارن و مرد و پیر و جوان از تپه سرازیر شدند. غبار خاصی می آمد. آن عکس سال بعد از بین ۱۲۰۰ اثر، عکس برتر یونسکو شد و دیپلم افتخار گرفت نامش را گذاشتم عاشقان رهبر فقید.

ملکوتی و ثانیه‌های آخر ایشان عکس بگیرند. اکنون متوجه شده‌اند که چه اشتباهی کرده‌اند. فقط تلویزیون یک دوربین در اتاق گذاشته بود که لحظات فوت امام را ثبت کرده بود و ما هم از تلویزیون عکس گرفتیم. ما سیاه پوش شدیم و در مصالای امام که مثل الان نبود مستقر شدیم.

شعر برای امام خمینی کاری حاشیه‌ای نبود

خرداد، با هیچ ردیابی از سیاست و مبارزات ایشان در شعرهای مذکور دیده نمی‌شود. این سروده را عمدتاً توان دربر دارنده تجربه‌های عرفانی امام داشت، اشعار عرفانی‌های اغلب سروده‌های افرادی هستند که با اصطلاحات عرفانی بخوبی آشنا هستند اما خودشان اهل سیر و سلوک عرفانی نیستند. بنابراین اشعار آنان هم دربردارنده این مضامین است؛ از سوی دیگر در شعر عرفانی با شعرانی و عرفانی‌نویسندگانی که در دنبال تکرار اصطلاحات عرفانی هستند، ورد پای پررنگی از تجربه سیر و سلوک عرفانی شخصی آنان در اشعارشان دیده نمی‌شود. امام خمینی (ره)، نه تنها به اشاره دوستان نزدیک ایشان که به استناد اشعار به جای مانده در زمره گروه دوم است، اشعار به یادگار مانده از امام خمینی (ره) هم از نظر فنون شعری و هم محتوایی آثار ارزشمندی هستند. بنابراین توصیه به آگاهی که خواهان کسب اطلاعات بیشتر هستند، این است که دست به مطالعه و تفقه‌ها و آثاری بزنند در این زمینه نوشته شده‌اند.

نشان می دهد که مثنوی را بخوبی می شناسه و از سبوی تسلط زیادی بر اشعار بزرگانی همچون ابی مبین، عطار و حتی شاعران معاصر داشته است. با تکیه بر مواردی که این دست می توان به این نکته پی برد که شعر برای امام خمینی (ره) کاری حاشیای نبوده است. با این حال هیچ گاه دست به انتشار سوده های خود نزد دیگر خاطرم هست که چند روز پس از خاکسپاری ایشان بوی که زنده یاد سپیدمحد خمینی تعدادی از آن شعرها را منتشر کرد و دلپیشی و مهر تشکر از مردمی عنوان کرد که امام خمینی (ره) را با آن شور تاریخی تا خانه ابدی اش مشایعت کردند. صحبت درباره اشعار امام خمینی (ره) و حتی تأثیر آن شخصیت و اقدامات مهم ایشان بر شعر معاصر کسب و برداشته، بیشتی است که زمان بیشتری طلب می کند. با این حال اشاره مختصری بر اشعار به یادگار از ایشان خواهم داشت. سوده های بیباک انداز انقلاب بیشتر قالب سستی و غزل دارند. این اشعار از نظر موضوعی تنوع بسیار دارند هر چند که عمدتاً عاشقانه و عارفانه هستند. شاید جالب باشد که به غیر یکی - دو اشاره، از جمله به موضوع ۱۵

اسماعیل امینی
شاعر، منتقد
و پژوهشگر ادبی

های مناسبی دیگر هم خوانده‌ام و
راگه برنامه‌ای بوده پیشنهاد کردم چنین
هایی ساخته شود. به طورمثال پیش
نهادت سردار قاسمی پیشنهاد
دم سرود ماندگاری به مناسبت پیروزی
بلبله بر داعش ساخته شود که متأسفانه
تمام نگرفت و سرانجام با حمایت حوزه
فرماندهی شهر مشهد و آستان قدس رضوی
در صبح می‌شود ۲ ساخته شد که ملودی
آسان صبح پیروزی است با تغییراتی در
آهنگ آن. من بر این نظر موسیقی یک
هنری بیشتر تأثیرگذار است و می‌بایست
در بیان این موضوع دانه داشته باشیم.

نظم مجتبی میرزاده بود. بعد از آن هم سرودی دیگر خوانند که «همان آخر» که در مورد آخرین نمازی بود که حضرت امام خوانده بودند و رواقی به آن امروز نزدیک به ۱۵ هزار ماندگار برای حضرت امام خوانده‌ام که متأسفانه چندان شنیده شد و کمتر از رسانه ملی پخش می‌شود. «وینت» نام دارد ساخته آقای فریدون خورشیدی که باز هم تأکید می‌کنم این آثار حتی در مناسبت‌های خاص خود هم کمتر پخش و شنیده می‌شود و این موضوع جای اسف دارد. البته در طول این مدت زمان

ای دریاغای دریاغای دریاغای سایه‌ای رفت از
سرش ما...» تأکید داشتند این کار همان روز
صیبت شود، آن هم در شرایط آن روزگار که
بسیستمهای ضبط موسیقی چندین پشرفته
سروود... سرانجام ساعت ۱۱ شب سرود
«دریاغای دریاغای» آماده‌وز تلویزیون پخش
شد و موجب تعجب بسیاری از دوستان
هم گردید که بطوریکه تراخ‌تر از طول
یک روز و آن هم بد هیچ پیش‌زمینه‌ای
تولید شده برای دومین سرود «غم فرا»
مقام داشت که برای چهلمین روز گردگشت
حضرت امام خوانند که سر آن از محمود
شاهرخی و به آهنگسازی هادی آرموز

یزی نیست و صادق انگهبران آن روزگار
پیر شده اما این کلمه‌ها و قطعه موسیقی
تک افشان که بخشی را در ادامه
خوانید هنوز همان سوز جوان، سوزگار و
به با صلابت به چشم و گوش ما می‌نشیند
طراوت آن خرداد سال ۱۳۶۸ در ذهنمان را
صوری می‌کشد.

ما خدایی کوئی کم کرده ایم
آفتابی در شی می‌کرده ایم
غمگنان خرید و اشک افشان کنید
رو به سوی خود فراموشان کنید
سرفرو در خا و خاک فراموش کنید
دامن از خوابه دل‌تر کنید

زروه بود که آن زمان درد و دغدغه داشتند آنچه می نوشند باوری بود که خورده با روحشان به همین دلیل است که می گویم فرهنگ و هنر، حافظه دوران خود و دوره های پس از خود هستند که مثلا در شعر، با کلمه جاودانه می شوند و در موسیقی با هر آنچه بر خط حاشیه نوشت می شود و در هر هنری به شکلی و با مختصات خاص خود، حالا آمد

می‌کند نگاه ویژه شاعر به کلمات است و بار معنایی کلماتی که با خود، عاطفه، رنگ، بینش به موضوع و در نهایت جاودانگی را به ادبیات و تاریخ و فرهنگ یک کشور هدیه می‌دهند. احمد عزیزی شاعر ساده‌نویسی بود. از آن سهل و ممتنع نویس‌ها و صادق آهنگران هم‌دهشت بسیاری صادق انتخاب شعر داشت همان‌طور که هر آنچه در هشت سال جنگ تحمیلی خواند، اصولاً از شاعران هم دوره و معاصر می‌ماند مثل علیرضا

چشمان منتظرو
دستان خالی سینما

نمایی از فیلم فرزند صبح

نفوذاترین اثر مرتبط با شخصیت امام خمینی اما همچنان «خاطرات یک خبرنگار» رسول صدراعظمی است. این فیلمساز که به عنوان روزنامه‌نگار همسفر امام خمینی (ره) در پرواز انقلاب (پاریس - تهران) بود و در طول سه ماه حضور ایشان در فرانسه (توقیل لوشواتو) تنها خبرنگار ایرانی بود که گزارش‌ها و عکس‌هایش در روزنامه اطلاعات منتشر می‌شد «خاطرات یک خبرنگار» را براساس خاطرات خودش از پاریس آن زمان ساخت. این سریال در مورد خبرنگاری (فرهاد اصلانی) است که بعد از سال‌ها با سفر به پاریس با کسانی که با امام در رابطه بودند اعم از خبرنگاران و پرسنل هوا و... گفت‌وگو می‌کند. اما صدراعظمی که خاطرات بسیاری از روزهای همراهی امام خمینی در فرانسه دارد و لحظه به لحظه پر از تاریخی انقلاب را ثبت کرده بجز باب خاطراتش این سریال تلویزیونی تلاشی برای ساخت آثار سینمایی درباره امام خمینی نداشته که شاید بخشی از دلایل آن را باید در محدودیت‌ها و مشکلات ساخت چنین آثاری جست‌وجو کرد. در حوزه مستند آثار بسیاری تولید شده اما شاخص‌ترین مستندترین اثر درباره امام خمینی مستند «روح الله» محمد دبیق است که در ۱۰ ساعت به مقاطع مهم زندگی فردی و سیاسی امام خمینی می‌پردازد اما لحظات حلت و تشیع پیکر تاریخی امام خمینی و تأثر مردم ایران از دیگر اتفاق‌های مهم ریخی است که غیبت مستندسازان مشهود است. تنها مستندی که تشیع پیکر امام خمینی را ثبت کرده و احوال مردم در آن به خوبی دیده می‌شود، مستند «آفتاب عشق» است که اگرچه به لحاظ ارزش تکنیکی آن قابل دفاعی نیست اما تنها سند ریخی این ایام است. این مستند ساخته ساجده شومقدری است و البته مجید مجدیدی کتاب «در قلمرو دیدار» که کتابی درباره زندگی و آثار اوست روایتی غالب از ثبت این مستند به نام شمقدری تعریف کرده: «بلافاصله بعد از دریافت خبر فوت امام، راهی حوزه هنری» شدم. چچها همگی ماتم گرفته بودند ننشته بودند و گریه می کردند. مانجا به نظر من آمد که این اتفاق تاریخی باید ثبت شود. بدهم من همراه با جمعی همبردارا بودوربین، به طرف جماران و بعده خنه من محل دفن امام رفتم و ده شبانه یز به شکل مستند مشغول فیلمبرداری بودیم و بعد نیمه فیلم رفتم.» او یادگر خاطراتی از ایام عنوان کرده: «یک روز که به حوزه هنری آمدم، گفتند قرار است تصویرهایی که شما گرفته اید را جواد شمقدری کامل کند!» البته صحبت‌های مجدیدی در همان ایام واکنش شمقدری همراه بود و او اعلام کرد که ۷۰ درصد نماهایی را که در این فیلم خودش فیلمبرداری کرده و ۳۰ درصد بقیه مربوط به چهار دوربین دیگر است. یکی از آن‌ها هر دو دوربین آقای مجدیدی بوده است.

که از آن طریق گفته می‌شد توسط مردم رد و بدل می‌شد. مثلاً از قم عده‌ای پیام می‌آوردند برای جمع‌شدن بنی‌الدین. زمان که اهل مبارزه بودند، در اورامین هم همین اتفاق افتاد و راه افتادند به سمت تهران، نامه‌ها و اعلامیه‌هایی را حاوی پیام‌های انقلابی می‌آوردند. بعد عده‌ای ری‌نویسی می‌کردند و به این شکل تکثیر می‌شد و بعد عده‌ای آن‌ها را به شهرها و مناطق مختلف می‌بردند و پخش می‌کردند. وقتی می‌خواهیم که از خرداد سال ۱۳۴۴ شلوغی‌ها و مبارزه‌ها در تهران و قم و اورامین همزمان شروع شد

این مسأله نشان می‌دهد که ارتباط میان افراد و پیمایی که آنها رد و بدل می‌کنند نقش مهمی داشته است. با منتقل شدن این پیمایی و اطلاعات‌های انفجاری شلوغی‌ها شکل گرفت که به یاد دارم در تهران بازار بیش از همه جا شلوغ بود. ۱۵ خرداد ۴۲ از بازار تهران شروع شد و خرابی‌ها به اتکون ۱۵ خرداد تمام وارد و آن زمان نامش بود زخم‌خیزی بود. خبری از وسایل ارتباطی این روزها که جوانان به آنها عادت دارند نبود اما مردم این پیام‌ها را منتقل می‌کردند و مبارزه را شکل می‌دادند.

پیام‌های انقلابی چطور رد و بدل می‌شد؟

از منبر تا مردم



و مبارزه‌ها از همان جا شکل گرفت. آن زمان با این روزها بسیار تفاوت داشت. دستگاهی مثل فاکس و حتی دستگاه فتوکپی نبود تا اعلامیه‌ها را تکثیر کنند. به یاد دارم که حتی رو نوشت شناسنامه‌ا اداره ثبت احوال می‌نوشت و مهر می‌زد و به مردم تحویل می‌داد. مبارزه‌هایی که ۱۵ اردیبهشت ۳۴ جدی‌تر شد از همین منبرها آغاز شد. منبرها به عنوان یکی سبیل ارتباط، عمل کرد و به ما هم.

۱۵ خرداد سال
۱۳۴۲ من ۱۱ سال
داشتم و به یاد
دارم که در دست
بعد از تاسوعا
و عاشورا آن
اتفاقات تاریخی افتاد. آن زمان پیام‌ها و
حرف‌ها بیشتر از طریق محرم‌ها مذهبی
منتقل می‌شد و چون ما محرم‌ها بودیم
منبرها فعال‌تر بودند و بیشتر ترجمه‌ها

خاطرات خواننده سرودهای انقلابی از قطعه «دریغا»

خدایی سایه‌ای رفت از سر ما



آن روز خبر ارتحال امام زارادیو و تلویزیون به گوش رسید و ملت ایران را درغم این ماتم بزرگ عزا دار کرد. آن روز را خوب به خاطر دارم در حال رفتن به محل مراسم بودم، مردمی شدم مرده حال و هوای غریبی دارند و در بهت و حیرانی اند و گریه می کنند. آن زمان هم دستگاه موبایلی وجود نداشت تا از اتفاقات روز رسیده مطلع شویم. به اداره که رسیدم ترسعیتر شده بود و بعد آن منوجه شدم حضرت



محمد گلریز
خواننده موسیقی ایرانی

به دعا که ایشان هرچه زودتر شفا پیدا کنند و من هم در کنار این مردم آزموه‌ای کردم که حال ایشان بهبود یابد اما دروغا که فدایای

روایتی از یک سوگ سروده احمد عزیزی که هنوز زمزمه می‌شود

ما خدایی کو کبی گم کرده ایم

بود و خواسته بود در شعرش رسید. سوگ
سروده‌ای بسیار در رحلت امام خمینی
نوشتند و آن روزها را که به یاد می‌آوریم و
این جمعیت می‌توانست تسبیح دندانکار، آن
زمزمه‌های اشک‌آلود که می‌شنیدیم بیشتر
تلخی آن روز را یادآور می‌شود. شعرهای
بسیار از شاعران بسیار شنیده و مکتوب شد و
بسیاری‌شان هم روی خط ملودی و با صدای
خوانندگان و مکتوب بسیار، این افراد را
بناشکون و عمیق‌تر کرد که یکی از آنها قزاق

گروه فرهنگی/شعر، اتفاقی تدریجی در زبان
و آنچه در این زبان رخ می دهد البته فقط یک محصولی ست که با
انتقال ساده نیست. محصولی که با
و پی و جواهری از احساس درونی شعر
گره خورده و هوشمندی او را هم در آنچه
می شود این محصول را به نامیرایی
پیدا خواهد زد. مثل وقتی که شاعری عارف،
گره بزرگ جامعه ای از نوزگ مثل ایران
ببندد. در یکی از شعرهای او: «تغزلت
فرخ از نیمه خردا کشم» و او به آنچه گفتار